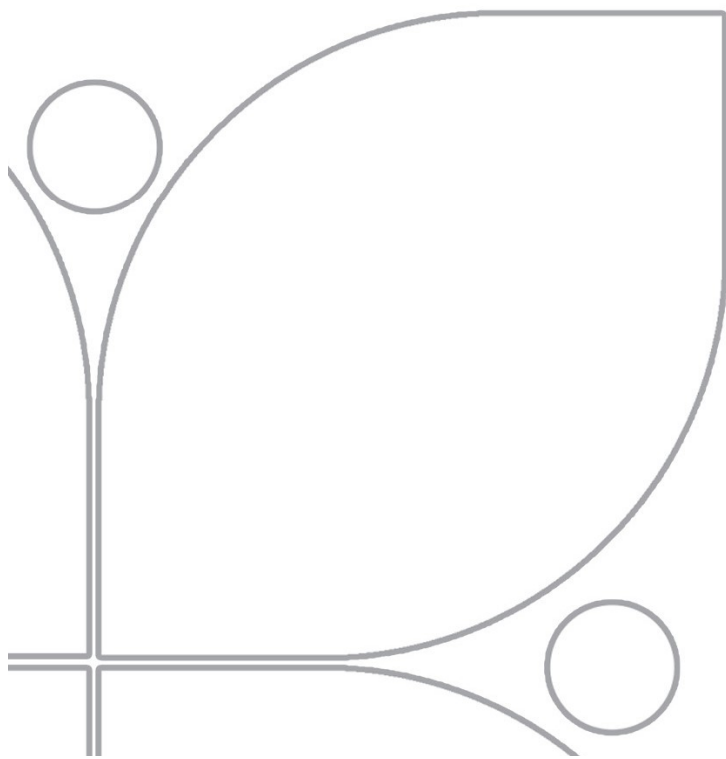
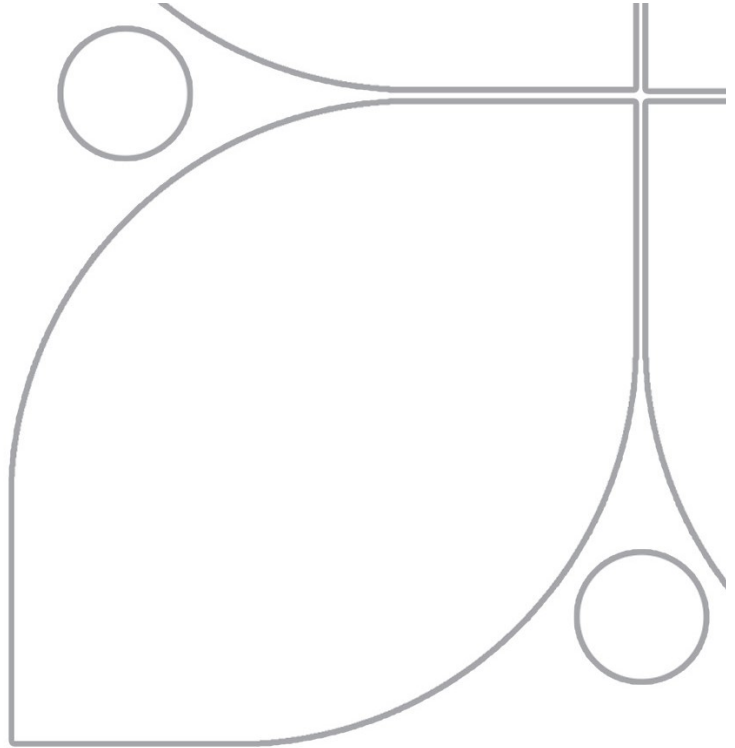


در جست‌وجوی خویش در زمانهٔ هوش مصنوعی





Self-Improvement

Technologies of the Soul in the Age
of Artificial Intelligence
2022

- سرشناسه: کوکلبیگ، مارک، ۱۹۵۷- م. Coeckelbergh, Mark
- عنوان و نام پدیدآور: در جست و جوی خویش در زمانه هوش مصنوعی
- نویسنده: مارک کوکلبیگ؛ مترجم: نادر خسروی
- مشخصات نشر: تهران، موسسه فرهنگی و هنری دیدگاه کاوش و سازندگی دکسا، ۱۴۰۴.
- مشخصات ظاهری: ۱۵۷ ص
- شابک: ۶-۶۸-۵۵۷۱-۵۵۷۱-۶۲۲-۹۷۸
- وضعیت فهرست نویسی: فیپا
- موضوع: موفقیت -- جنبه های مذهبی Success -- Religious aspects
- خودسازی -- جنبه های مذهبی
- Self-actualization (Psychology) -- Religious aspects
- تکنولوژی -- جنبه های مذهبی Technology -- Religious aspects
- هوش مصنوعی Artificial intelligence
- شناسه افزوده: خسروی، نادر، ۱۳۶۸-، مترجم.
- رده بندی کنگره: BL ۶۵/۵۸۴
- رده بندی دیویی: ۱۵۸/۱
- شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۳۷۱۵۸۷

در جست‌وجوی خویش در زمانهٔ هوش مصنوعی

نویسنده

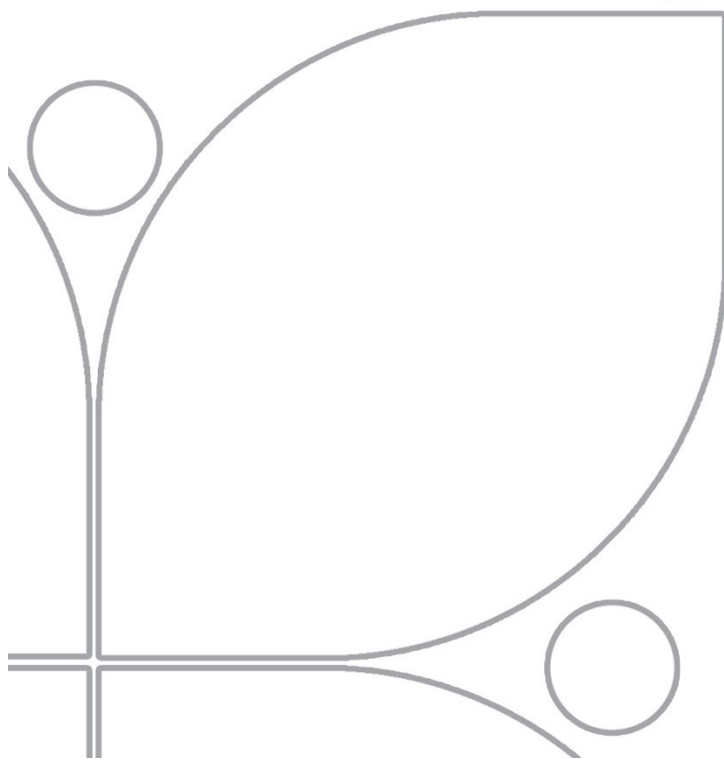
مارک کوکلیبرگ

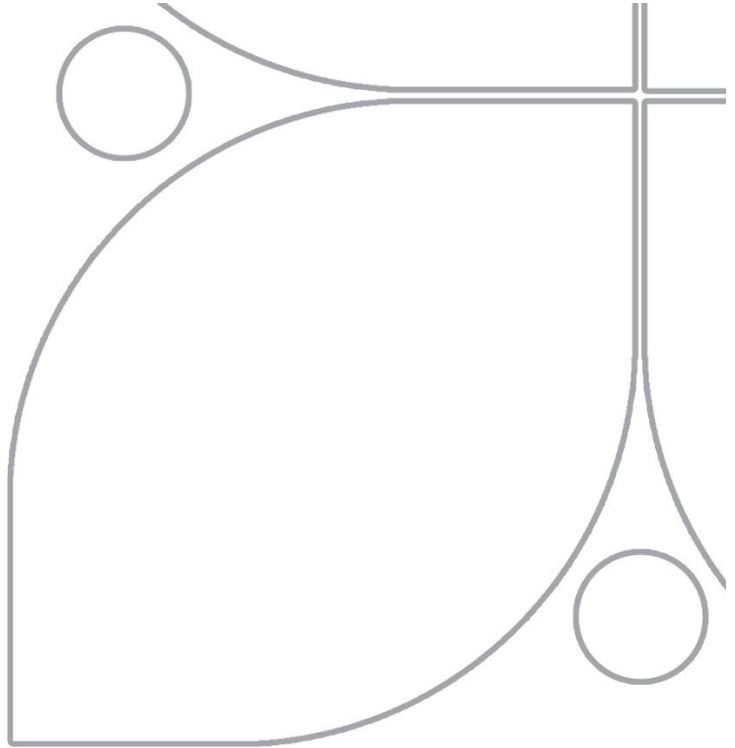
مترجم

نادر خسروی



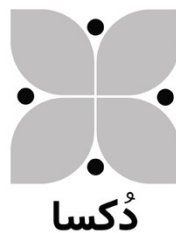
دُکسا





در جست‌وجوی خویش در زمانه هوش مصنوعی

نویسنده: مارک کوکلیبرگ
مترجم: نادر خسروی



تهران، صندوق پستی ۱۴۶۵۵۹۴۳

۰۲۱۵۴۹۳۲۲۲۲

publication@doxa-v.org

www.doxa-v.org

Doxa_vision

طراح جلد: هادی جلدی

چاپ اول: پاییز ۱۴۰۵

شمارگان: ۲۵۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۵۷۱-۶۸-۶

سخن هیئت تحریریه

دکسا باور دارد که کتاب دریچه‌ای است به سوی افقی تازه برای اندیشیدن و زیستن. رسالت ما برگزیدن و فراهم آوردن آثاری است که بتوانند به زندگی امروز جامعه ایران معنا ببفزایند، توان رویاروی با مسائل فردی و اجتماعی را تقویت کنند، و راهی بگشایند به سوی آینده‌ای روشن‌تر و آگاهانه‌تر.

ما با دقت و وسواس علمی، از میان آثار برجسته و پژوهش‌های معتبر جهانی و داخلی، کتاب‌هایی را انتخاب می‌نیم که از پشتوانه‌ای استوار در اعتبار دانشگاهی، تجربه اندیشمندان، و ناشران معتبر برخوردار باشند. هدف ما صرفاً افزودن بر قفسه‌های کتابخانه‌ها نیست، بلکه فراهم آوردن منابعی است که دانش و آگاهی را با نیازهای واقعی و مسائل امروز جامعه ایران پیوند زنند.

چه در عرصه ترجمه و چه در حوزه تألیف، اهتمام ما آن است که دستاورد پژوهشگران و نویسندگان برجسته به زبان فارسی در دسترس قرار گیرند؛ آثاری که، علاوه بر انتقال دانش، پاسخی درخور به پرسش‌های انسان معاصر بدهند و زمینه‌ساز پرورش نگاهی ژرف‌تر به جهان باشند.

مخاطبان ما دایره وسیعی از افرادی هستند که به بالندگی این سرزمین می‌اندیشند، افرادی که به نقد و تحلیل، و فهم مسائل نظری علاقه‌مندند و دغدغه کم‌رنگ کردن مشکلات عملی را دارند؛ آنان که در اندیشه و عمل پویا هستند و همواره در نگریستن به خود و جامعه از نظرهای متعددند.

امید داریم هر کتاب دکسا پلی باشد میان اندیشه و عمل، میان خرد و زندگی؛ لاشی کوچک اما استوار برای ساختن جامعه‌ای آگاه‌تر، توانمندتر، و دارای پیوندی قوی‌تر با میراث فکری و فرهنگی ایران و جهان.

تورج الهوردی و افشین سپهوندی

فهرست

یادداشت مترجم: ملاحظه‌ای در باب ترجمه چند اصطلاح	۹
مجموعه بی‌کرانه‌ها	۱۵
فصل اول: پدیده	۱۷
تجویز خودبهبودبخشی	۱۷
مرور صل‌ها	۲۳
فصل دوم: تاریخچه	۲۷
فیلسوفان باستان، کشیشان و انسان‌باوران در جست‌وجوی خودشناسی	
و کمال	۲۷
انسان‌باوری نسخه ۲۰۰ یا انسان‌باوری دیجیتال	۳۸
فصل سوم: جامعه	۴۷
خودوسواسگری مدرن: از روسو تا زیست‌انسیالیسم هیپستری	۴۷
هیپی‌ها در فضای مجازی	۵۴
۱ زیست‌انسیالیسم هیپستری	۵۹
فصل چهارم: اقتصاد سیاسی	۶۷
خودرام‌سازی و بهره‌کشی زیر سایه سرمایه‌داری سلامت	۶۷
سرمایه‌داری سلامت و صنعت خودبهبودبخشی	۷۲
راه‌حل‌باوری فناورانه و علامت‌دی طبقاتی	۸۴

فصل پنجم: فناوری ۸۹

- دسته بندی شده، انداز گیری شده، کمّ شده و ارتقایافته — یا چرا هوش مصنوعی ما را بهتر از خودمان می شناسد؟ ۸۹
- بهبود بخشی کافی نیست: ارتقا از طریق زیست فناوری و هوش مصنوعی ۹۹

فصل ششم: راه حل (بخش اول) ۱۰۹

- خود رابطه مند و دگرگونی اجتماعی ۱۰۹
- کار بر روی «خود» در برابر خودپرورای و رشد به مثابه خودهای روایی ۱۱۰
- «خودهای متفاوت» و «فرا تر از خود»: چه می شود اگر (به جای بهبود خود) به بهبود رابطه مان با دیگران و محیط بیندیشیم؟ ۱۱۹
- جوامع متفاوت: هیچ خودبهبود بخشی ای بدون دگرگونی اجتماعی وجود ندارد ۱۳۰

فصل هفتم: راه حل (بخش دوم) ۱۴۱

- فناوری هایی که داستان های دیگری درباره ما روا ت می کنند ۱۴۱
- فناوری، داستان ها و زندگی نیک ۱۵۵
- نمایه ۱۷۱



فرهیخته گرامی، ما در نشر دُکسا برای پاس داشت محیط زیست و کمینه کردن صدمات درازمدت ناشی از صنعت چاپ، و همچنین با هدف کاهش هزینه تمام شده کتاب، ارجاعات و یادداشت های یانی هر فصل را حذف کرده ایم، اما شما همواره می توانید با اسکن کد روبه رو، به صفحه اختصاصی این کتاب در وبسایت نشر دُکسا مراجعه کنید و علاوه بر مشاهده ارجاعات، یادداشت ها، و توضیحات تکمیلی مترجم، از خطاهای احتمالی مرتبط با چاپ و ترجمه کتاب آگاه شوید.

یادداشت مترجم

ملاحظه‌ای در باب ترجمه چند اصطلاح

لازم است توضیحاتی درباره دست و ترجمه چند اصطلاح در کتاب حاضر ارائه کنم که بدین ترتیب تا حدودی زمینه بحث کوکلیبرگ را نیز روشن کرده باشم. هر چند خواننده می‌تواند پس از خواندن کتاب بازگردد و با دری که خود از چنین اصطلاحاتی پیدا کرده است، بار دیگر بحث‌های کوکلیبرگ را مرور کند. با این حال، سه اصطلاح در این متن مدام تکرار می‌شوند که به گمانم در بحث‌های ویسنده حیاتی و مهم‌اند.

۱. «خودبهبودبخشی» (self-improvement)

این اصطلاح عنوان اصلی کتاب نیز هست و در وهله نخست به پدیده‌ای فرهنگی و معاصر اشاره دارد؛ پدیده‌ای که شامل تلاش‌های مستمر افراد برای بهتر کردن جنبه‌های مختلف زندگی‌شان است، آن هم نه تنها در زمینه ظاهر فردی (سلامت جسمانی، بلکه در زمینه ذهن، روح و رفتار. در توضیح و فهم این اصطلاح شایسته است به چند نکته التفات کنیم: الف) جنبه‌های جسمانی و ظاهری: ورزش، رژیم غذایی، مراقبت از بدن و زیبایی؛ ب) جنبه‌های ذهنی و روانی: مراقبه، روان‌درمانی، خودشناسی، کنترل احساسات، افزایش

مهارت‌های فردی و اجتماعی؛ ج) فنون و ابزارها: کتاب‌ها، سخنرانی‌های انگیزشی، کارگاه‌ها، دوره‌های برخط، اپلیکیشن‌ها و ربی‌گری شخصی؛ د) ارزیابی و مدیریت: ثبت، اندازه‌گیری، کنترل و به اشتراک گذاشتن پیشرفت‌ها. این جنبه‌های فردی فرهنگ «خودبهبودبخشی» هستند، اما این فرهنگ ابعاد اجتماعی نیز دارد که به روند «خودبهبودبخشی» سمت‌وسو می‌بخشد.

به گفته‌ی کوکلب‌رگ، تلاش‌های بیش‌ازحد برای رسیدن به موفقیت، رواج کمال‌گرایی و پدیده‌ی خودشیفتگی جامعه‌ی معاصر را زیر فشار قرار داده است و رسانه‌ها و ها نیز هر روز بیش‌تر این مسئله را تقویت می‌کنند. بنابراین فرد نه‌نهاد به‌خوا خودش، بلکه به‌خواست و فشار جامعه و با توسل به فناوری می‌خواهد به «بهترین نسخه‌ی خود» بدل شود. با این‌همه، این اتفاق پیامدهای منفی نیز در بر دارد، از جمله فشار دائمی برای «خودبهبودبخشی»، عدم تحقق انتظارات، سرعت بالای زندگی مدرن و ایدئولوژی فردگرایی که می‌تواند به استرس، افسردگی، خودکشی و احساس است شدید ختم شود.

به بیانی خلاصه، «خودبهبودبخشی» در جامعه‌ی معاصر فراتر از مهارت‌های زیبایی فردی است و به نوعی «فرهنگ فردگرایانه» و حتی «فشار اجتماعی» بدل شده که از طریق فناوری، روان‌شناسی مثبت‌گرا، رسانه‌ها و سلبریتی‌ها بر افراد تحمیل می‌شود. با توجه به این توضیحات، می‌توان چند دلالت را در ترجمه‌ی این اصطلاح در نظر گرفت: ۱) بهبود خود؛ ۲) ارتقای فردی؛ ۳) پرورش خود؛ ۴) رشد شخصی؛ ۵) بهبود توانمندی‌ها. بنا بر همین نکات پیش‌گفته، معادل «خودبهبودبخشی» را پیشنهاد داده‌ام که همه‌ی این‌ها را در خود یک‌جا دارد: دال بر روند و فرایندی است که قرار است فرد بر روی خود کار انجام دهد و خود را بهبود بخشد.

۲. «نفس / روح / روان» (soul)

کوکلیبرگ soul را نه جوهری متعالی یا واحدی ثابت، بلکه میدان پویایی از تجربه‌های درونی، جهت‌گیری‌های اخلاقی و روا‌های خودبازنمایی می‌داند که در تعامل با فناوری‌های خودسازی شکل می‌گیرد. به یانی دیگر، او soul را ترکیبی می‌داند از احساسات، اطرات و ارزش‌هایی که فرد در لحظه‌به‌لحظه زندگی خود تولید و بازتولید می‌کند. این فرد درونی صرفاً زیست‌شناختی نیست، بلکه با روایت‌های شخصی و فرهنگی پیوند می‌خورد و مدام در بازنویسی قرار دارد. کوکلیبرگ در فصل‌های ششم و هفتم نشان می‌دهد که soul از دل روایت‌هایی بیرون می‌آید که انسان‌ها درباره آن می‌سازند.

اپلیکیشن‌های خودسنجی، الگوریتم‌های توصیه‌گر و دستگاه‌های همراه همه نقش قصه‌گو را برعهده دارند و به تجربه درونی ما شکل می‌بخشند و به‌نوعی به «متخصصان روان» مدرن تبدیل شده‌اند. در نگاه کوکلیبرگ، soul بستری است برای خودفرمانی اخلاقی؛ جایی که فرد در غیاب ناظر سنتی (کلیسا، استاد اخلاق، قراردادهای اجتماعی) از طریق بازخوردهای دیجیتال و داده‌های زیست‌سنجی خود را تنظیم می‌کند. به عبارت دیگر، فناوری‌ها «دستیاران اخلاقی» جدیدی هستند که افراد با آن با گفت‌وگو می‌کنند تا روان خود را مدیریت کنند و بهبود بخشند. در عصر هوش مصنوعی، همین پویایی به ما امکان می‌دهد تا نشان دهیم چگونه فناوری‌های خودبهبودبخشی — از اپلیکیشن‌های مراقبه تا مربی‌های مجازی — «روان / خود» (soul) ما را به محصول داده‌ها و روایت‌های دیجیتال بدل می‌کنند.

در اینجا شایسته است به تفاوت soul در سه دوره باستان، انسان‌باوری و مدرن‌پرداز تا بهتر بتوانیم بحث‌های برگ را پی گیریم. در یونان و روم باستان، soul (psyché / anima) اصل زنده‌کننده وجود بود که با جهان

(کاسموس) می‌وند داشت. soul نه تنها نیروی حیات، بلکه ناظر بر تعادل اخلاقی و هماهنگی فرد با نظم کیهانی تلقی می‌شد. در بحث‌های کوکلیبرگ در دوران باستان، soul را به «نفس» برگردانده‌ام. در رمانس و روشنگری، واژه‌ی soul دوباره زنده شد، ولی این بار بر آزادمدیشی و کرامت فردی پدید داشت. soul مرکزی برای خودشناسی، اخلاق مدنی و عدالت انسانی بود. در بحث‌های او مربوط به انسان‌باوری نیز آن را به «روح» و «نفس» ترجمه کرده‌ام.

در مدرن و پسانسان‌باوری، واژه‌ی soul به تدریج جای خود را به psyche و mind داد و بارِ غیب‌گویانه‌اش را از دست داد. واژه‌ی soul به موضوعی برای علوم انسانی، روان‌شناسی و در نهایت فناوری‌های خودمراقبتی و داده‌محور تبدیل شد. این واژه را در بحث‌های مربوط به دوره‌ی مدرن به «روان» برگردانده‌ام. در شش‌انداز این کتاب، سیر تحولِ soul از اصلِ کیهانی به سوژه‌ی اخلاقی و نهایتاً به مجموعه‌ای از داده‌های کاربرپذیر در خودفرمانی دیجیتال نشان می‌دهم که چگونه در هوش مصنوعی مفهیم سنتی روح و نفس به ابزارِ عدالت برای بهینه‌سازی انسانی بدل شده‌اند.

۳. انسان‌باوری (humanism)

آن را انسان‌گرایی هم ترجمه کرده‌اند. در این کتاب، اصطلاح انسان‌باوری به گفتمانی اشاره دارد که انسان را سوژه‌ی مرکزی خودبهبودبخشی اخلاقی و شناختی می‌داند. براساس این گفتمان، فرد قادر است که به کارگیری «فناوری‌های روان انسان» (ابزارها، روش‌ها و فناوری‌های نوین) خویشتن را به سوی بهتر شدن هدایت کند. می‌توان گفت که انسان‌باوری در این جا ساختاری پویا و چندوجهی دارد: هم سنتی فکری با ریشه‌های تاریخی

است و هم نوعی پروژه معاصر که فناوری را در خدمت خودبهبودبخشی و خودآینی انسان قرار می‌دهد. در گام اول، کوکلیبرگ انسان‌باوری را در امتداد سنت رسانس و روشنگری می‌نشانند، همان دورانی که تأکید بر خردورزی، خودآمایی و توان عملی انسان برای دگرگونی خویش و جهان بود. اما در ادامه نشان می‌دهد که چگونه این سنت در عصر هوش مصنوعی دستخوش دگرگونی شده و معانی جدیدی به خود گرفته است.

دقت به تفاوت نگرش انسان‌باورانه به انسان با نگرش‌های دوران باستان و مدرن به ما کمک می‌کند استفادهٔ کوکلیبرگ از اصطلاح «انسان‌باوری» را بهتر درک کنیم. در دوران باستان، انسان در تن کلان کیهان و طبیعت تعریف می‌شد. زندگی انسانی تابع نظم جهان (کاسموس) بود و فضیلت‌ها (آرته) گونه‌ای هماهنگی با آن نظم به شمار می‌آمدند. «خودبهبودبخشی» در قالب تمرین‌ها و کردارهای اخلاقی و معنوی (مانند مراقبه، ریاضت و یادآوری فعال) صورت می‌گرفت که ناظر بر پرورش حکمت و عدالت بود. هدف نهایی همانا رسیدن به سعادت به کمک توازن درونی و هماهنگی با فضیلت‌ها بود. فناوری‌های نفس نیز محدود به تمرین‌های بدنی و یادسپاری اندیشه‌های والا بود. در عصر مدرن، انسان موجودی خودآگاه، آزاد و مختار تلقی شد. خرد ابزاری شد برای شناخت و خیر طبیعت و «خودبهبودبخشی» بیش از هر چیز از مسیر علم و آموزش همگانی می‌گشت. فرد در مقام سوژه‌ای مستقل با حقوق طبیعی، اخلاقی و سیاسی به رسمیت شناخته شد. «خودبهبودبخشی» شامل این بود که هر کس مسئول انتخاب ارزش‌ها و ساختن زندگی خود است؛ علم و مهارت (آموزش رسمی، کتاب‌خوانی، برنامه‌های تربیتی و روان‌شناسی نوین) در خدمت بهبود زندگی فردی و اجتماعی قرار گرفت؛ و ارزش‌ها بر پایهٔ توافق اجتماعی و عقلانیت ابزاری شکل گرفتند.

با این قیاس‌ها می‌توان در فت که آنچه در عصر هوش مصنوعی ذیل عنوان «انسان‌باوری» تعریف می‌شود، ادامه طبیعی تنوع نگاه‌های باستانی و مدرن به «انسان» است که الا ابزارهای دیجیتال و الگوریتم‌ها را به فنون «خودبهبودبخشی» اضافه کرده‌اند. با همه، انسان‌باوری در عصر هوش مصنوعی نه تنها به دفاع از یثیت و آگاهی انسانی می‌پردازد، بلکه خود به بخشی از شبکه فناوری‌ها تبدیل می‌شود. این هم‌پوشانی موجب طرح پرسش‌های تازه‌ای می‌شود: الف) فناوری‌های خودبهبودبخشی سوژه انسانی را به تدریج ابژه می‌کنند؟ ب) چه نسبتی میان خودبهبودبخشی انسانی و منطق بهینه‌سازی الگوریتمی برقرار است؟ در کتاب حاضر به سخ این دست پرسش‌ها خواهیم رسید.

مه پانوش‌ها و نیز همه افزوده‌های درون قلاب‌ها [...] از ترجم فارسی است.

مجموعه بی کرانه ها

به کوشش کاستیکا براداتان

مهم ترین پرسش های زندگی ما را با حسی از بی کرانگی به تسخیر درمی آورند: هیچ راه درست یگانه ای برای اندیشیدن به آن ها وجود ندارد و هیچ جایگاه انحصاری و ویژه ای برای تن پاسخ هایشان در میان نیست. فیلسوفان و پیامبران، شاعران و دانشمندان، هنرمندان و پژوهشگران، همه حق داشته اند در جست و جوی روشنی و معنا برآیند. ما به این مسائل نه صرفاً به باب خودشان، بلکه به خاطر خودمان اهمیت می دهیم. میدان آن ها بدین معناست که بهتر دریابیم چه ستیم. مجموعه بی کرانه ها اندیشمندان خلاق را گرد هم می آورد که از شکار فکری لذت می برند، هر جا که این شکار آن ها را بکشانند و هر مرز انتقادی ای که مجبور باشند در مسیر خود زیر پا بگذارند. با این کار نشان می دهند که چنین جست و جویی نه تنها پاداشی به ارمغان می آورد، بلکه تحول آفرین نیز هست. محدودیتی در دانش و خود ناسی وجود ندارد، همان گونه که هیچ محدودیتی در خویشتن سازی وجود ندارد.